

بیانیه نهادهای همبستگی کارگری

نیاز دوره حاضر

ایجاد تشکل و نهادهای مستقل کارگری و مردمی است!

در چند ماه گذشته جنبش توده ای برای آزادی و دموکراسی محکم و مصمم علیه رژیم سرمایه داری اسلامی ایستاده و به پیش میرود، مردم در همان هفته های نخست متوجه شدند که با اتکا به نیروی خود میتوانند پیش روند، هیچ کسی بهتر از خود آنان نمیتواند منافع شان را تامین کند و یا حق و حقوقشان را بگیرد. سرمایه داران ریز و درشت به تکاپو افتاده و پاسداران و قداره بندانیشان را به میان مردم روانه کرده اند. رژیم ددمنشانه به مردم حمله ور شده و کشتار میکند، مردم شجاعانه در مقابل حمله دیکتاتورها ایستاده و به اعتراضات خود ادامه میدهند. حضور متشکل و متحد جنبشهای اجتماعی، کارگران، دانشجویان و زنان ضروری و بیش از همیشه لازم است تا بتوان پتک نهایی را بر سر این رژیم فرود آورد.

سی سال پیش کارگران که نقش کلیدی را در سرنگونی رژیم شاه به عهده داشتند بدرست در شوراهای توده ای خویش متشکل شدند. ارتجاع به قدرت رسیده در هنیت رژیم جمهوری اسلامی با حمله به آزادیهای بدست آمده و سرکوب شوراهای کارگری، ابزار شوراهای اسلامی و خانه کارگرو انجمن های اسلامی را در مراکز کارگری علم کرد و آنها را به مثابه چماق خود در به دام انداختن فعالین کارگری، دستگیری و اعدام آنها و پیشبرد سیاستهای خویش بکار برد. اگرچه نهادهای ارتجاعی نامبرده بر گرده کارگران تحمیل شد ولی هیچگاه نتوانست توده کارگران را به خود جلب کند و یا خواست و مطالبه آنان را منکوب کند. سالهای اول حاکمیت رژیم در جنبش کارگری با مبارزه بر سر قانون کارسپری شد. در ایام جنگ بر سر اعتراض به اعزام اجباری به جبهه و افزایش تولید اضافه در خدمت جنگ و غیره گذشت. اوائل دهه هفتاد نغمه های استفاده سرمایه داری ایران از سیاستهای رایج اقتصاد سرمایه جهانی (نئولیبرالیسم) سر داده شد و حول آن طیف اصلاح طلبان را گرد هم آورد چرا که با استفاده از سرکوب و قتل عام صداهای اعتراضی و دامن زدن به جنگ با عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی زمینه های عینی آن فراهم شده بود و سرمایه داری را ناگزیر و مصمم به آن ساخت. جنبش کارگری بیکار ننشست و با استفاده از خلاء عدم ثبات سیاسی دولت سرمایه داری ایران که شرایط ادغام آن در بازار جهانی به سه نهادبین المللی وابسته به سازمان ملل همچون

تجارت جهانی، صندوق پول و سازمان جهانی کار گره خورده بود خواست تاریخی خود یعنی ایجاد تشکل را در دستور خویش گذاشت. ایجاد تشکل و نهادهای کارگری دیگر نه تنها خواست کارگران بلکه ضرورتی برای سرمایه داری ایران طبق مفاد و پیش شرطهای نهادهای فوق الذکر جهانی گردیده بود. سرمایه داری و بالطبع گرایش راست جنبش کارگری متشکل در "هئیت موسسان سندیکا های کارگران ایران" میخواستند که تشکل هایی بسازند که با اجازه دولت و کارفرما و در چهارچوب سیاست صلح طبقاتی و یا "تعامل طبقاتی" باشند. برعکس گرایش چپ در جنبش کارگری خواهان تشکل هایی متکی بر نیروی کارگران شدند که از دل مجامع عمومی آنها سر بر آورده، با یاری جمع در مقابل دولت و کارفرمایان و صاحبان سرمایه ایستادگی کرده و مدافع منافع کارگران و کل جامعه باشند.

از اوایل دهه هشتاد در کنار مطالبات دائمی کارگری همچون افزایش دستمزد و لغو قراردادهای سفید، فعالیت برای ایجاد تشکل کارگری و برگزاری آزادانه روز جهانی کارگر در ایران قویتر گردید. با تلاش بی وقفه فعالین جنبش کارگری و به بهاء اذیت و آزار و دستگیری و زندانی شدن آنان خواست مستقلانه جنبش کارگری یعنی تشکل های متکی بر نیروی کارگران و بدون مجوز همگام با مطرح شدن چهره های آن در سطح جهانی و نزد اتحادیه های کارگری برجسته شد. سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه (واحد) بازسازی شد و برای رسمیت دادن به آن مبارزه شد. سندیکای هفت تپه در جریان مبارزه طولانی کارگران نیشکر هفت تپه و با شرکت توده کارگران پایه ریزی و با رای آزادانه آنها نماینده گان اش انتخاب شدند. همانطور که پیش تر اشاره شد در مقابل گرایش چپ جنبش کارگری که بیان متحقق کردن نیاز تاریخی ایجاد تشکل به نیروی خود کارگران بود گرایش پاسخگویی به روند ادغام سرمایه داری ایران در بازار جهانی برای ایجاد تشکل مبنای خود را بر چهارچوب سیاستهای سه جانبه گرایی سازمان جهانی کار منطبق ساخت. البته غیر از گرایشهای رسمی در طیف اصلاح طلبان حکومتی و فرمیست ها در جنبش کارگری که ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی کارگری را خدشه دار می کردند، مرکز همبستگی کارگری امریکا (سولیداری سنتر) نیز وارد عرصه کارزار مربوط به جنبش کارگری شد و از طریق تزریق پول و تلاش در خریدن فعالین کارگری محل سرمایه گذاری اش را این بار به ایران کشانید.

مرکز همبستگی کارگری امریکا برای به انحراف کشانیدن جنبش کارگری و جلوگیری از استقلال خود تشکل پذیری کارگران، که در روند مبارزات پایه ای علیه سرمایه داری امری اجتناب ناپذیر است، در سطح جهانی با استفاده از پروژه های مالی توسط نهادهای امپریالیستی به فعالیت مشغول است. موضوع کار و محل فعالیتش جاهایی هستند که امکان بروز و عروج استقلال مبارزات و ابزارهای کارگری یعنی تشکلهای سیاسی طبقاتی شان بالا گرفته باشد. زمانی در دهه های شصت در امریکای لاتین و دهه هفتاد بلوک شرق سابق و مشخصا در لهستان برای تامین اهداف سرمایه وارد عمل شد. امروز و در شرایطی که در ایران سرمایه با بی ثباتی در نهادهای سیاسی اعمال قدرتش روبرو است و نیز در عین حال خطر زمینه های عینی برای ایجاد تشکل های کارگری

مهیا است وظیفه مرکز همبستگی ایجاب می کند که از طریق افراد و نهادهایی به این تشکل ها وارد شده و با تزریق پول و توجیه واقعیت تلخ ضعف مالی آنها، تشکل ها را از استقلال، مبارزه طبقاتی بر علیه سرمایه و تکیه بر نیروی کارگران تهی و رهبری آنها را در جهت اهداف سرمایه هدایت کند. از سال ۲۰۰۵ میلادی اجرای پروژه مالی مرکز همبستگی امریکا در رابطه با جنبش کارگری ایران وارد صحنه عملی شد و نام دو نفر آقای مهدی کوهستانی نژاد و خانم فرزانه داوری به عنوان همکاران ایرانی در این رابطه قید شد و این خود مناقشاتی را در سطح فعالین مربوط به جنبش کارگری ایران دامن زد. بخشی تزریق مالی از سوی این نهاد امپریالیستی را فساد نامیدند و خواهان علنی شدن آن گردیدند در مقابل عده ای آن را بی ضرر و فاقد موردی برای فساد کردن دانستند. اما واقعیت سر سخت تر از اظهار نظرها نشان داد که طرح و اجراء کمک مالی نه تنها از جانب مرکز همبستگی امریکائی که یک سازمان مشخص امپریالیستی است و اساسا بودجه اش را سنای آمریکا تصویب و مهیا می کند بلکه حتی از جانب نهادهای بین المللی وابسته به سازمان جهانی کار مانند کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت، استقلال کارگران و تشکل هایش را به مخاطره می اندازد. متاسفانه بخشی از رهبری سندیکای کارگران اتوبوس رانی تهران و حومه طعمه این پروژه شد که خود دچار تفرقه شد، خوشبختانه رهبری سندیکای کارگران هفت تپه با هوشیاری و کمک دیگر همطبقه ایهایشان این حیله ها را نقش بر آب ساختند.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج از کشور با برگزاری دو گردهمایی حضوری سالیانه و بعد از مدون کردن لیست فعالیت هایش در زمینه همبستگی با جنبش کارگری ایران و تلاش برای جلب حمایت از آنها در خارج از کشور، با حساسیت در حفاظت از استقلال تشکل های کارگری و قبل از همه استقلال مالی آنها از نهادهای امپریالیستی به تصویب مبانی خویش پرداخت و در راستای جنبش کارگری ایران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری به اجرای برنامه هایی تا کنون در اثناء مرکز همبستگی امریکا مبادرت ورزیده و بی شک این کار در عرصه های مختلف و به اشکال گوناگون در آینده تداوم خواهد داشت بود. این خطر کماکان بر سر جنبش کارگری ایران و تشکل هایش در پرواز است و این امر مهم جز از طریق همبستگی بین المللی با جلب کمک از نهادهای واقعا کارگری و کارگران بالفعل نخواهد شد. ما با پشتیبانی مجدد از قطعنامه اول ماه مه ۱۳۸۸ کارگران در ایران سر آغاز فصل جدید از فعالیت ها خود را نامه های علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای مستقل هفت تپه قرار می دهیم که در آن دفاع از استقلال مالی تشکل های کارگری موکدا تائید شده است.

ما ضمن دفاع از استقلال مالی تشکل های کارگری در ایران اقدام به کمپین مالی سراسری و دائمی نموده و در این راستا دست مساعدت و همکاری به سوی تمامی دوستداران و فعالین جنبش کارگری در خارج از کشور دراز می کنیم. همبستگی مادی و معنوی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و مردمی در دوره حاضر امری حیاتی

زنده باد تشکل های مستقل طبقاتی کارگری در ایران
زنده باد همبستگی بین المللی کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج
از کشور

اول ژانویه ۲۰۱۰

- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا proletarianunite@gmail.com
- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ cdkgari@gmail.com
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه sstiran@yahoo.fr
- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه kanoonhf_2007@yahoo.de
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر kanon.hannover@yahoo.de
- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد isask@comhem.se
- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ kanounhambastegi@gmail.com
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankjch@yahoo.co.uk
- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن leftalliance@yahoo.com
- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا toronto_committee@yahoo.ca